

جوانان حکمتیست ۸۷

۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۵ - 02 MAY 06

سه شنبه ها منتشر می شود!

سر دبیر: فواد عبداللهی foadsjk@gmail.com

اول ماه مه در تهران!

در مقابل دفتر مرکزی شرکت واحد اتوبوسرانی در خیابان هنگام، کارگران جمع میشوند. صدها نفر از کارگران اخراجی شرکت واحد و رانندگان اتوبوسرانی و فعالین کارگری و جمع زیادی از دانشجویان در این تجمع شرکت داشتند. کم کم مردم تهران که شاهد این تجمع هستند به جمعیت میپیوندند.

روی پلاکاردهایی که در دست تجمع کننده گان بود شعارها و خواست های زیر مطرح شده بود:

اول ماه مه، روز جهانی کارگر مبارک باد

منصور اسانلو آزاد باید گردد
جنبش دانشجویی حامی جنبش کارگری

آزادی تشکل مستقل کارگری
تشکیل اتحادیه های کارگری بدون نظارت و دخالت دولت حق است

همزمان جمعیت شعارهایی را با صدای بلند سرداده اند که از جمله عبارتند از:

منصور اسانلو آزاد باید گردد
تشکل مستقل حق مسلم ماست
اعتصاب، اعتصاب، حق مسلم ماست
کارگر زندانی آزاد باید گردد
دانشجو کارگر، اتحاد، اتحاد
قرارداد موقت ملغی باید گردد

نه بمب می خواهیم نه جنگ می خواهیم، اشتغال، اشتغال

دانشجو، کارگر پیوندتان مبارک
سندیکا، سندیکا احیا باید گردد.
ضمنا اطلاعیه هایی که حاوی خواسته های کارگران بود در میان جمعیت ←



قطعنامه مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر در سندج! ص ۳



واحد های گارد آزادی در شهر سندج به استقبال ماه مه میروند!



ده محله شهر سندج دو شب متوالی محل ابراز وجود گارد آزادی بود!

متوالی در محلات شهر سندج با استقبال گرم مردم روبرو شد.

گارد آزادی نیروی دفاع از کارگر و مردم زحمتکش در مناسبت جهانی کارگر همسرنوشتی و همگامی مبارزاتی خود را با کارگران و مردم زحمتکش محکمتر نمود. گارد آزادی نیروی دفاع از آزادی و منافع کارگران و مردم، نیروی تضمین کننده امنیت و رهایی مردم و نیروی مقابله با ارتجاع و سناریوی سیاه را با تمام توان باید تقویت نمود. به واحدهای گارد آزادی بیبویید.

کمیته فرماندهی و سازماندهی گارد آزادی
عبدالله دارابی
(اول مه ۲۰۰۶)

به مناسبت فرا رسیدن اول ماه روز جهانی کارگر شبهای ۸ و ۹ اردیبهشت واحدهای گارد آزادی در ۱۰ محله شهر سندج حضور پیدا کردند. جمعه شب ۸ اردیبهشت در شهرک بهاران، محلات شالمان، شریف آباد، فیض آباد، کارآموزی و آبادی "نه نه له" واحدهای گارد آزادی اطلاعیه حزب حکمتیست به مناسبت اول ماه و تراکتهای دیگر به مناسبت این روز را وسیعاً پخش کردند و همچنین در گرامیداشت ماه مه در این محلات شعار نویسی کردند. شب بعد، شنبه نهم اردیبهشت در شهرک بعثت، محلات جورآباد، ۲۵ شهریور و حسن آباد اطلاعیه "به گارد آزادی بیبویید" کمیته فرماندهی و سازماندهی گارد آزادی را به دست مردم رساندند و وسیعاً پخش کردند. حضور وسیع واحدهای گارد آزادی دو شب

اول ماه مه در سندج!

اول ماه مه از ساعت ۱۰ صبح هزاران نفر از کارگران و مردم سندج به فراخوان کمیته برگزار کننده اول ماه به طرف اداره کار و تامین اجتماعی حرکت میکنند. کمیته سندج حزب حکمتیست خبر میدهد که خیابان تاج مملو از جمعیت بوده است و چندین هزار نفر به طرف محل مقرر حرکت میکنند. کارگران و مردم و نمایندگانشان قرار گذاشته اند که مقابل اداره کار و تامین اجتماعی تجمع کنند و از آنجا به طرف تالار فجر که قبلاً در خواست مجوز را برای مراسم در این سالن کرده بودند و رژیم مخالفت کرده بود، حرکت کنند. نیروهای رژیم از ترس تجمع چند هزار نفره کارگران و مردم دست به کار میشود و از رفتن مردم به محل تجمع ممانعت میکنند. خیابان تاج را میبندند و در چندین جا با مردم درگیر میشوند. این در شرایطی است که تنها چند صد نفر به محل مقرر که همان مقابل اداره کار باشد میرسند. مزدوران رژیم برای مقابله با این جمعیت اعلام میکنند که اجازه راهپیمایی نخواهند داد و جمعیت باید با اتوبوس به محل سالن فجر بروند. با زور تعدادی از کارگران و مردم را سوار اتوبوسهای خود میکنند. با تمام اینها صدها نفر در مقابل سالن فجر تجمع کرده و علیرغم اقدامات وسیع رژیم یکی از نمایندگان قطعنامه ۱۹ ماده ای تجمع را به اطلاع عموم میرسند. مراسم کارگران در سندج و کشمکشهای آنها با پلیس تا ساعت ۱ بعد از ظهر ادامه داشته است.

در حمله نیروهای انتظامی و درگیریهایی که با کارگران و مردم در سندج داشتند، ۴ نفر از کمیته برگزاری اول ماه سندج به اسامی بهزاد سهرابی، اشرف پیرخضری، هیرش نقشبندی و وفا قادری دستگیر میشوند که طبق خبر کمیته سندج بعد از چند ساعت آزاد خواهند شد.

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

با رهبران حزب

جوآن حکمتیست: اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست خبر از استقرار نیروی های نظامی جمهوری اسلامی در شمال کردستان داده است. اگر ممکن است برای خوانندگان توضیح دهید که علت دست زدن جمهوری اسلامی به چنین تحرکاتی چیست و اصولاً دور جدید فعالیت های نظامی جمهوری اسلامی در کردستان بر متن چه اوضاعی صورت می گیرد؟ و همچنین توضیح دهید که آیا کمیته کردستان حزب حکمتیست، که در کردستان دارای بازوی مسلح نظامی (گارد آزادی) نیز هست، چه سیاستی را اتخاذ می کند؟ حسین مرادیگی (جمه سور): گسیل نیروی نظامی جمهوری اسلامی به شهرهای



کردستان ایران بویژه به شهرهای اشنویه و پیرانشهر و سردشت همچنان ادامه دارد. تمرکز نیروی نظامی در این نواحی تنها به جمهوری اسلامی محدود نمیشود. ارتش ترکیه نیز در تمامی مرزهای مشترک خود با ایران و کردستان عراق و سوریه تمرکز نیرو کرده است. به نظر میرسد دولت ترکیه و جمهوری اسلامی در مورد حمله نظامی مشترک به پ.ک.ک به توافق رسیده باشند. لشگرکشی فعلی جمهوری اما نه الزماً در ادامه این توافق که اساساً در متن بحران فعلی و به بهانه جنگ محمل میگیرد. بحران فعلی و بهانه جنگ محمل تمرکز عظیم نظامی جمهوری اسلامی فعلاً در شمال کردستان ایران است. حمله به پ.ک.ک و پژاک نه هدف اصلی که بخشی از توطئه بسیار بزرگتری است که جمهوری اسلامی برای به خطر انداختن زندگی و امنیت مردم منطقه در تدارک آن است. سرپوشی است برای انتقال یک نیروی عظیم نظامی و انتقال صدها دستگاه توپ و تانک به شهرهای کردستان ایران به هدف نظامی کردن فضای شهرهای کردستان ایران و نا امن کردن کل منطقه. همراه آن گسترش هرچه بیشتر فضای خفقان و سرکوب و سلب امنیت از شهروندان این جامعه و به عقب راندن مردم معترض به جمهوری اسلامی است.

هم اکنون آثار و عوارض نظامی کردن فضای شهرهای کردستان که هدف جمهوری اسلامی است، قابل مشاهده است. بعد از اولین توپ باران منطقه که در آن دو چوپان نیز مورد اصابت ترکش توپ های جمهوری اسلامی قرار گرفته و گوسفندان زیادی نیز تلف شدند، مزدوران جمهوری اسلامی برای نشان دادن معنی عملی حضور نظامی خود در شهرهای کردستان ایران به محله هایی از شهر اشنویه حمله برده و تعدادی از آنتنهای ماهواره ای را در این محلات جمع آوری کردند. طبق تازه ترین خبر رسیده به دست ما بنزین را سهمیه بندی کرده اند. حداکثر ۳۷ لیتر برای هر ماشین در روز. و این باعث ایجاد صفهای طولی از مردم در شهرهای مهاباد، نقده، اشنویه، پیرانشهر و سردشت شده است. طبق خبر دیگری جمهوری اسلامی در چند روز اخیر عده ای را در شهر مهاباد به تبعید کردن تهدید کرده است و به عده ای نیز اخطار کرده است که آنان را به دادگاه تحویل داده و به زندان خواهد انداخت. فرستنده خبر از کمیته کردستان حزب میخواست که در مورد این دور از سیاست ارباب جمهوری اسلامی به بهانه جنگ بویژه در شهر مهاباد و اشنویه و پیرانشهر و سردشت عکس العمل نشان دهد. ما بیشتر گفتیم که یکی از تبعات در واقع "خیر و برکت" بحران اخیر و تبلیغات جنگی همراه آن برای جمهوری اسلامی گسترش جنگ با دشمن اصلی خود یعنی مردم به جان آمده از جمهوری اسلامی در سراسر ایران است. جمهوری اسلامی این سیاست را در شهرهای دیگر ایران با تشدید خفقان و تهدید این مردم و حمله به زنان دنبال میکند، در کردستان ایران آن را با نظامی کردن فضای شهرها و به خطر انداختن جان و امنیت این مردم توأم خواهد ساخت.

لشگرکشی اخیر جمهوری اسلامی ادامه این سیاست به بهانه بحران و جنگ است. توطئه ایست آشکار علیه جان و زندگی و امنیت مردم شهرها و روستاهای کردستان ایران. مستقیماً در خدمت نا امن کردن محل کار و زیست مردم و مرعوب کردن مردم شهرهای کردستان قرار دارد. توپ باران و بمباران منطقه هم اکنون باعث کشته شدن مردم و آواره شدن آنان شده

از محل زیست خود شده و در آینده نیز مسلماً آمار آن افزایش خواهد یافت. توپ باران مداوم منطقه تلفات و لطمات جانی و مالی زیادی را هم اکنون به مردم وارد کرده و زندگی آنان را هرچه بیشتر به خطر خواهد انداخت. موج جدید کشتار ها و اعدامهای مخفی و علنی و آدم ربائی از میان مردم را توسط نیروهای جمهوری اسلامی راه خواهد انداخت. سیاست ما اکنون انجام عملیات نظامی روی نیروها، پایگاهها و مراکز نظامی جمهوری اسلامی نیست. نظامی کردن فضای سیاسی شهرهای کردستان تنها به نفع جمهوری اسلامی و به ضرر مردم کردستان تمام خواهد شد. سیاست ما در این مورد افشاء و محکوم کردن توطئه جدید جمهوری اسلامی علیه مردم شهرهای کردستان ایران، افشاء و محکوم کردن عوارض و لطمات نظامی کردن فضای شهرهای کردستان ایران است. که مسلماً بر اثر آن مرگ و میر ناشی از توپ باران و بمباران محل کار و زیست مردم به سرعت بالا خواهد رفت و جو و فضا را برای مردم نا امن تر و سنگین تر خواهد کرد. در پیش گرفتن سیاست عدم تعرض نظامی ما به نیروهای جمهوری اسلامی البته به معنی آن نیست که جاده دو طرفه است. گویا جمهوری اسلامی نیز منتظر این "بهانه" میماند و یا تاکنون نیر مانده است. جمهوری اسلامی حکومت سرکوب و کشتار است و ۲۷ سال است با آن خود را سرپا نگهداشته است. بحران فعلی و افزایش تبلیغات جنگی میان طرفین درگیر، اکنون بهترین بهانه است در دست جمهوری اسلامی تا با آن در سراسر ایران فشار خود را بر مردم متنفر از جمهوری اسلامی تشدید کند، تا با آن آمار اعدامها را بالا ببرد، تا با آن به کردستان ایران لشگرکشی کند و فضا را کاملاً نظامی کرده و بر فشار و زور خود بر مردم انقلابی و به جان آمده از جمهوری اسلامی بیفزاید. جمهوری اسلامی اکنون "خیر و برکتی" از این مناسب تر نیافته است که با آن جنبش سرنگونی طلبی را مورد تعرض قرار داده و مردم را مرعوب کند.

→ پخش شد که مضمون آنها در دفاع از حق تشکل و اعتصاب و آزادی منصور اسانلو و سایر مطالبات کارگران بود. این تجمع بعد از یکساعت با گسیل نیروهای ضد شورش و حمله به مراسم خاتمه یافت. در جریان حمله نیروهای ضد شورش تعدادی از کارگران و از جمله کارگران شرکت واحد و چند نفر از دانشجویان دستگیر شدند. مراسم ضد کارگری خانه کارگر در تهران علیه رژیم تبدیل شد! مراسم خانه کارگر که مدتها بود مسئولین خانه کارگر برایش تبلیغ میکردند به هم خورد. این مراسم از جانب خانه کارگر و شورای اسلامی کار و با هدف جمع کردن کارگران در مقابل سفارت آمریکا و دفاع از برنامه انرژی هسته ای ایران سازمان یافته بود و تعدادی از کارگران را از کرج و قزوین و اصفهان را نیز به آنجا آورده بودند. مراسم خانه کارگر با شروع سخنرانی وزیر کار مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفت. کارگران با سر دادن شعارهای، "وزیر بی لیاقت، استعفا، استعفا" و "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، مراسم را به هم زدند، مسئولین خانه کارگر در وسط سخنان وزیر کار به بهانه اینکه بلندگو خراب است اتمام برنامه را اعلام میکنند. با تمام اینها کارگران باز شعار میدهند. "وزیر بی لیاقت وزارت را رها کن"، "فلسطین را رها کن، فکری به جیب ما کن"، "تنگ بر این زندگی"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد". بدین صورت مراسم ضد کارگری رژیم نیز به ضد خود تبدیل شد.

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

قطعه نامه مراسم اول ماه مه، روز جهانی کارگر در سنج

به نقل از سایت کمیته برگزاری اول مه سنجد



مراسم اول ماه مه و یاد جانباختگان مبارزه با سرمایه داری را در اوضاع و احوالی برگزار می کنیم که جایگزینی کارگران قراردادی و پیمانی به جای کارگران رسمی، عدم امنیت شغلی ما را شدت بخشیده است. به علت پایین بودن سطح دستمزدها و ادار به اضافه کاری و چند شغل بودن شده ایم. اخراج کارگران را هر روزه مشاهده می کنیم. فقر و بیکاری گریبانمان را گرفته است.

فحشا و ستم بر زنان و کودکان افزایش یافته است. کارگران معترض اخراج و یا روانه زندان می شوند ... خلاصه اینکه تمام درد و رنج های ناشی از نظام سرمایه داری وسعت بی سابقه ای یافته است.

تمامی این شرایط غیر انسانی در سایر کشورهای سرمایه داری نیز رواج و شدت گرفته است. مبارزات اخیر کارگران فرانسه علیه سرمایه و حکومت سرمایه داری فرانسه که به امنیت شغلی کارگران هجوم آورده اند و به موازات اعتصاب، اخراج و

دستگیری کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران نشان داد که آسمان سرمایه داری همه جا به یک رنگ است.

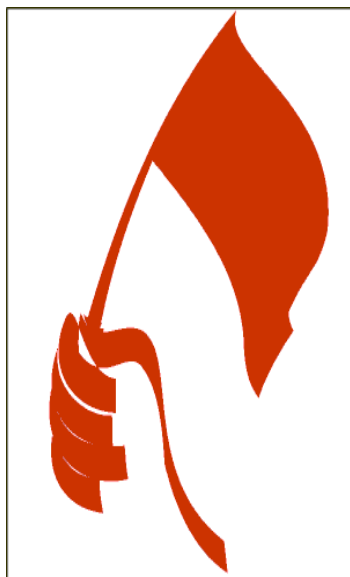
همچنین اول ماه مه فرصت دیگری است تا ضمن همبستگی با همه کارگران جهان اعلام کنیم که اگر همه تولیدات حاصل رنج و دست ماست چرا ما خود نباید از بهره مندترین انسانها باشیم؟

کارگران:

اتحاد و همبستگی و دخالتگری



- ۱- دولت جمهوری اسلامی موظف است برگزاری علنی، آزادانه و بدون مجوز روز اول ماه مه را به رسمیت بشناسد و امنیت فعالان کارگری را برای برگزاری این روز تضمین کند.
- ۲- قراردادهای موقت کار تعرض به پایه ای ترین حقوق کارگری و به شدت ضد انسانیست، این ماده باید فوراً لغو و کلیه قراردادهای موقت و سفید امضاء به استخدام رسمی همراه با بیمه و مزایا تبدیل شود.
- ۳- دستمزد معوقه کارگران همراه با خسارت آن باید یک جا و فوری پرداخت گردد.
- ۴- دستمزد کارگران به نسبت تورم افزایش یافته و کفاف کامل زندگی انسانی و مرفه یک خانواده ۵ نفره را بدهد، تنها مرجع صلاحیت دار برای تعیین افزایش دستمزد نمایندگان واقعی کارگران و منتخب مجامع عمومی آنهاست.
- ۵- عدیل نیرو و اخراج کارگران به هر بهانه ای محکوم و کارگران اخراجی باید فوراً به محل کار خود بازگردانده شوند.
- ۶- پرداخت بیمه بیکاری کافی برای کلیه افراد بالای ۱۸ سال.
- ۷- قانون کار باید به نیرو تشکلهای کارگری و توسط نمایندگان منتخب کارگران تعیین و تدوین گردد.
- ۸- ما خواهان کاهش شدت کار و کاهش ساعات کار و افزایش ظریف ایمنی کار در محیط های کار و دور روز تعطیلی متوالی در هفته هستیم.
- ۹- اعتراض و اعتصاب حق ماست. ما حق خود می دانیم در مقابل پایمال شدن حقوق صنفیو اجتماعی خود دست به اعتصاب بزنیم و حقوق و مزایای دوران اعتصاب باید پرداخت گردد.
- ۱۰- آزادی بی قید و شرط تشکل، عقیده، بیان و مطبوعات حق همه ماست. کارگران باید بتوانند تشکلهای آزاد کارگری و سراسری خود را تشکیل دهند.
- ۱۱- بر پای مجامع عمومی کارگری در ساعات و محیط کار باید به رسمیت شناخته شود.
- ۱۲- تعقیب آزار و دستگیری فعالین کارگری و مدافعین حقوق و آزادیهای مدنی و اجتماعی به هر بهانه ای محکوم است.
- ۱۳- کار کودکان ممنوع و جرم تلقی شود. برخورداری کودکان از محیطی امن و سرشار از شادی و نشاط و امکانات آموزشی بهداشتی و رفاهی حق کودکان است.
- ۱۴- ما از مبارزه سایر بخشهای کارگری همچون معلمان و پرستاران و نیز جنبشهای زنان و دانشجویان علیه استثمار و بردگی حمایت میکنیم.
- ۱۵- ما خواهان برابری کامل حقوق زن و مرد و لغو آپارتاید جنسی و تمام قوانین



بچه های محل متشکل شوید، با ما تماس بگیرید و به گارد آزادی بپیوندید!

جمهوری اسلامی، حقوق بشر و ...

مصاحبه با کورش مدرسی لیبر حزب



منتشر شده در هفتگی ۵۳ - ۲۱
اردیبهشت ۱۳۸۰ - ۱۱ مه ۲۰۰۱

علی جوادی: در عرصه حقوق فرد و حقوق انسان اولین مساله ای که توسط خیلی از مجامع سیاسی مطرح میشود اینست که منشور پایه ای حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر بعنوان مبنای حقوق پایه ای انسان قلمداد میشود. از نظر شما آیا منشور حقوق بشر آن مجموعه ای است که بتواند تضمین کننده حقوق انسان باشد؟

کورش مدرسی: اجازه بدهید ابتدا یک نکته را توضیح بدهم. حقوق بشر یک پدیده الهی نیست که از بدو تاریخ تا آخر تاریخ معلوم باشد.

اینکه حقوق بشر چیست، برمبگردد به سیستم اجتماعی و ایدئولوژیها و فلسفه هائی که جنبش های مختلف در دوره های مختلف تاریخ از آن بدست داده اند. امروز، در ابتدای قرن بیست و یک، ما جنبش هائی را می بینیم که بلحاظ فکری متعلق به این قرن هستند و تفسیری معین از حقوق بشر دارند و جنبش هائی را می بینیم که متعلق به چندین قرن قبل هستند و تعریف دیگری از حقوق بشر بدست میدهند. مانند جنبش های اسلامی. در نتیجه وقتی راجع به حقوق بشر و یک بیانیه مشخص صحبت میکنیم، باید به این نگاه کنیم که این بیانیه از زاویه چه جنبشی است و آن جنبش و یا

میشود، چه عوامل اقتصادی و اجتماعی موجد آن هستند؟

کورش مدرسی: بخش مهمی از این بحث نسبیست فرهنگی متأثر از فلسفه پست مدرنیستی است که بخصوص در بیست سال گذشته شکل گرفت. این همزمان بود با دو پدیده، یکی شروع پروسه فروپاشی بلوک شرق و از رونق افتادن آن سوسیالیسمی که آنها مطرح میکردند. این آلترناتیو بتدریج همه جا جذبه اش را از دست داد و در نتیجه خطری را که برای غرب داشت از بین رفت و فاکتور دوم پا به سن گذاشتن نسل دهه ۶۰-۷۰ و پروسه جذب مجدد آن به جریان اصلی جامعه بورژوازی است. ایدئولوگ ها و آکادمیست های غرب احتیاج به فلسفه ای داشتند که بتوانند با رجوع به آن عقب نشینی های گذشته خودشان در قبال برسمیت شناختن بخشی از حقوق انسانی و جهان شمول اعلام کردن آن را جبران کنند و مواضع قبلی خودشان را تغییر دهند. بعلاوه جنبشی که در اروپا و آمریکا در دهه شصت و هفتاد شکل گرفت و مبتنی بر خواست آزادیها وسیع و درجهای برابری طلبی بود. این جنبش به آخر خط خود رسید.

بخش اعظم آن جذب جریانات اصلی بورژوازی جامعه شدند و احتیاج داشتند که خودشان را توجیه کنند. در نتیجه پشتشان را به فلسفه ای دادند که برطبق آن حق نسبی است و معلوم نیست چه چیز درست است و چه چیز غلط. از جمله میگویند حق انسانی مقوله ای نسبی است. در نتیجه نه تنها احتیاجی به این نیست که علیه بی حقوقی انسانها در بخش اعظم جهان عکس العملی نشان داد بلکه اصلا این کار نژاد پرستی است. کشف شد که نژاد و نوعی از انسان وجود دارد که بدبختی کشید، سرکوب و تحقیر شدن جزئی از فرهنگش است. میگویند که اینها مسلمانند و حقشان همان است که دارند، و این مردم شایسته همین هستند و همین که دارند بس شان است. این تئوری یکی از انعکاس های بحث پست مدرنیستی است که حقوق انسانی را کاملا نسبی میکند. از نظر من حقوق انسانی یک حقوق جهانیشمول است. حقوقی مانند حق شادی و آموزش کودکان، حق اشتغال، حق برخورداری از نعمات زندگی، آزادی بیقید و شرط بیان و غیره حقوقی هستند که نمیشود آنها را از کسی بچرم اینکه فلان

این حق فردی اوست که بشکل اجتماعی بروز میکند. سوال این است که کارگر بیکار شده را جامعه بخاک سیاه نشاندند یا خود کارگر؟ ظاهرا این بی حقوقی جامعه و اصالت حق فردی است اما روشن است که یا آن سرمایه در جزئی از جامعه مورد نظر نیست و یا کارگر در این چهارچوب نباید بگنجد. بهر صورت میخوام بگویم این تقسیم بندی فرمال است و جواب رابطه فرد و جامعه نیست. در فلسفه سیاسی ما جامعه کاملا در مقابل افرادش مسئول است. من معتقدم فرد همانقدر به جامعه احترام میگذارد که جامعه به آن فرد احترام میگذارد. حق جامعه همانقدر محفوظ است که جامعه قابلیت تحقق حق فرد را تضمین کند. اگر کسی بخواهد جامعه ای بر مبنای انسانهای برابر و آزاد و مرفه و خوشبخت و بدون عقده و مشکل درست کند، باید کل این روابطی را که تحقق حقوق فردی انسانها را ناممکن میکند کنار بگذارد و آنوقت خود جامعه میتواند آن حقوق را تامین کند و تناقض بین حق فرد و حق جامعه از میان میروند.

دیدگاه بشر را چگونه می بیند و کجا قرار میدهد. منشور جهانی حقوق بشر محصول یک تفکر لیبرالی بورژوازی است. بر مبنای این دیدگاه انسانها بعنوان فرد اتمیزه محترمند و مسئول وضعیتی هستند که در آن بسر میبرند. محترم باین معنی که حقوق قانونی آنها با هم برابر است. منتها شرایط تحقق این برابری حقوقی، یعنی برابری در برخورداری از امکانات اقتصادی جامعه، را نادیده میگیرد. روشن است که منشور جهانی حقوق بشر با برسمیت شناختن حقوق و آزادی های فردی نسبت به جمهوری اسلامی پدیده پیشرفته تر و مثبت تری است و متکی به بینش پیشرفته تر از انسان و محیط آن است، اما، همانطور که اشاره کردم، وقتی که دقیق به آن نگاه میکنید می بینید که پایه اش فقط محدود به حقوق قانونی افراد است. ملزومات اقتصادی تحقق این برابری حقوقی را بحث نمیکند. آزادی عقیده یا آزادی تشکل در این منشور برسمیت شناخته شده منتها این برابری بر اساس نابرابری اقتصادی قابل تحقق نیست. کارگر و کارفرما در آن قانون موجودیتشان برسمیت شناخته شده و کارگر میتواند استثمار شود و بیکار شود. دسترسی و امکان نفوذ آدم پولدار و بی پول به دستگاههای ارتباط جمعی و یا در سیاست اصلا قابل مقایسه نیست. اینجا دیگر برابری برای توده وسیعی از انسانهای جامعه سراپی بیش نیست.

در هر حال کسی که با یک بینش انسانی، یک بینش کمونیستی و کارگری، به این پدیده نگاه کند می بیند که پایه ای ترین حقوق بخش وسیعی از انسانها زیر پا گذاشته میشود. میخوام بگویم عرصه اقتصادی از این منشور حقوق بشر منفک شده، در نتیجه هیچ ضمانتی برای تحقق حتی آن حقوقی هم که اعلام شده وجود ندارد.

علی جوادی: چرا بعد از اینکه خود جنبش بورژوازی بیانیه حقوق بشر را بیرون داده امروزه مساله نسبیست فرهنگی و غیر جهانشمول بودن حقوق انسانها مطرح

تماس با ما

دبیر سازمان: جمال کمانگر
jamalkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۹۷۶۵۶۱۹

سر دبیر: فراد عبداللهی
foadsjk@gmail.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون دبیر: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

پهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۳۶۱۳

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!